



تفسير انجيل متى
برای مشاوران مسیحی

The Christian Counselors Commentary
The Gospel of
Matthew

Jay E. Adams

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی
ویرایش: فرح صفوی

بیش نویسن مترجم

جی آدامز بنیان گذار مکتب مشاوره مسیحی بود، و ما شاگردان او، دنباله آنچه آغاز کرده را ادامه می دهیم. کتابی که در دست دارید، آنچه مربوط به کمک به متقاضی می باشد را از طریق تفسیر انجیل (متی) برایمان فراهم ساخته است.

امیدوارم کتابی که در دست دارید باعث برکت شما بشود و پادشاهی خدا همانگونه که وعده داده (ارمیا ۴۹) در دل همه فارسی زبانان جهان جای بگیرد. آمین

شاهرخ صفوی

فصل ششم

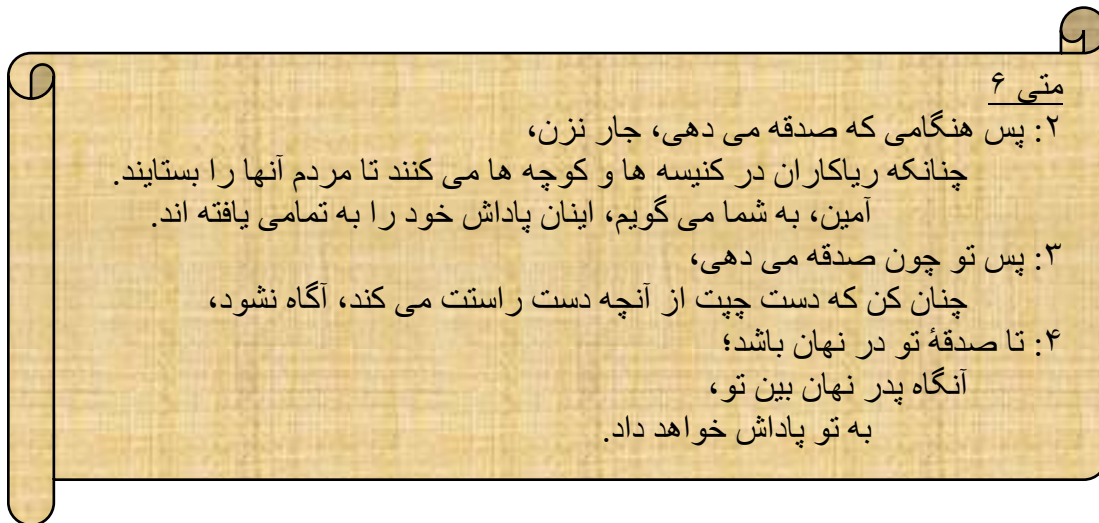
عیسی پس از بیرون راندن آموزه فریسیان و کاتبان آن زمان، به شاگردانش هشدار می دهد که مواضبت دورویی، دنیائی، و گناهان دیگری که به فرزندان خدا سرایت می کند باشند.

متی ۶

۱: آگاه باشید که پارسائی خود را در برابر دیدگان مردم به جا میاورید،
به این قصد که شما را ببینند،
وگر نه نزد پدر خود که در آسمان است،
پاداشی نخواهید داشت.

آیه ۱ موضوع را باز می کند. می گوید "پارسائی" خود را به نمایش مگذارید. کسانی که چنین می کنند، خود نمائی می کنند، و خودشان پاداش برای خود می باشند. عیسی می گوید پاداش خود را به تمامی دریافت کرده اند، ولی نه از خدا. چرا؟ چون پاداش خدا ظاهراً بدست نمی آید. در "نهان" است. موضوع اینست که روح تنها بر درون انسان است. دیده نمی شود. ولی آنجا هست. و روح وجود خود را آنگونه که هست، در افکار و رفتار نشان می دهد. روح خدا خود نمائی نمی کند، چون فعالیت درونی دارد. آنچه ظاهر فرزند را نشان می دهد، وجود خدا در نهان اوست که او را در شباهت خدا در می آورد. خدا از خودش به او داده. حال فرزند می خواهد به دنیا اعلام کند که پدرش چقدر با محبت است. ولی متأسفانه کسانی هستند که آب را گل آلود کرده اند. از پدر و نان حیات ما سواستفاده کرده اند، و به این طریق شیطان می خواهد فرزند را مایوس کند. بله این افراد نفوذ داشته اند، و به کسانی که طعم آزادی را نچشیده اند، لطمه وارد می کنند. ولی با این وجود، "پارسائی" قویتر شد، چون مفهوم آن بر درون بسیاری آشکار شد. "پدر نهان بین" معرفی گردید. درون فرزند باز شد و خدا خود را جای داد. حال، فرزند از شدت هیجان نجات، می خواهد همه را دعوت کند تا با او شریک بشوند. عیسی می گوید، "آگاه باش". اگر مردم جلال تو را دیدند و جلال را به تو نیز دادند، ممکن است وسوسه شوی و استفاده از آن ببری. هستند افرادی که چنین می کنند. اما اگر تو نیز کردی، بخود آی. بدان که از خدا جدا شدی. آیا ندای خدا را می شنوی؟ می گوید همان کلام که تو را نجات داد، در دسترس توست. مگذار پارسائی تو دستخوش بیگانگان شود. بنشین و بخود آی، و در دعا با خدا مشورت کن. مشاور مسیحی را پیدا کن راهنمای تو باشد. به نفع توست. ممکن است بپرسند در متی ۵: ۱۶ مگر عکس آن را عیسی نگفت؟ در آنجا عیسی می گوید نورتان را از مردم دریغ ننمائید. نورتان بدرخشند، و مردم را به جانب خدا آورد. شما را تشویق کرده جلال را به خدا بدهید، نه به خودتان. نورتان، خدا را نشان دهد، نه خودتان. دیگر آنکه در متی ۵: ۱۶ کلمه "ببینند" به معنی معمول خود مصرف شده. ولی اینجا در ۶: ۱، کلمه عبرانی *theomai* معنی نمایش دارد، و می گوید "پارسائی" را خدا به فرزندش نداده تا به خود ببالد (به نمایش بگذارند). کسانی هستند که چنین می کنند و می گوید، "اینان پاداش خود را به تمامی یافته اند"، (تحسین مردم). منتها این "پاداش" نهایت خود را در جهنم نیز خواهد داشت. هشدار در "آمین" است که ابتدای آیه می بینیم. اینان دارند صبر خدا را آزمایش می کنند. فریب خورده اند. دوراه بیشتر نیست! هر دو راه نیز فعلاً باز است. ولی عیسی می گوید آنگونه که من هستم باش.

تجربه کرده اید که فیض خدا کار های نیک شما را پاداش می دهد (پیدایش ۱۵ : ۱). درون خود (نهان) برداشت کرده اید؟



عهد قدیم چنین بود. میوه شیطان به نام خدا عرضه می گردید. دین و مذهب اینگونه است. ممکن است مرحمی واقع شود، ولی از خدا نیست. خدا حرفی به کسی نمی زند، و حرف دیگری به کس دیگر. خدا در "نهان" است. او را نمی بینیم. ولی می دانیم آنجا هست. و حال که با او راه می رویم، "فقرای در روح" را می بینیم. مانند گذشته ما در تاریکی روز زندگی می کنند. آفرینش خدا از اساره وجود حیات (روح القدس) جدا مانده.

کدام دلی که خدا احیا ساخته را می شناسی که تحمل دیدن حلاکت مردم را داشته باشد؟ برای ما نیز روزی فرزندی به داد ما رسید. نجات یافتیم. حال در خود نمی گنجیم. باید به این آن کمک کنیم. هم از لحاظ مالی، و هم از لحاظ معنوی. "پاداش" ما در کمک به نیازمندان، بدست ما می رسد. چشمان سپاسگذار، بقدر کافی پاداش می باشند، چه رسد به آنکه خدا را نیز شریک بشویم.

می گوید، "هنگامی که صدقه می دهی، جار نزن". میوه شیطان زمانی آورده می شود که کلام خدا، جلال را به انسان می آورد. بسیاری هستند که از مسیح استفاده شخصی می کنند. کلام را بخوبی به زبان می آورند، ولی نیتشان سود (جلال) به خودشان است. فکر می کنند کار خدا را کرده اند و جیب خود را در این میان پر کرده اند. حال چه شد که شخصی کلام را بخوبی به زبان می آورد، ولی استفاده شخصی از آن نمی کند. چون کسی نبوده کمک کند آنرا اجرا کند. فرزندان خدا دستخوش وسوسه های شیطان می شوند، چون کلیسا به آنها کمک نکرده آنچه در فکر خود دارند را تبدیل به رفتار خود نیز نمایند. اگر بدانیم و اجرا نکنیم، شیطان از آن استفاده خواهد کرد. خدا می گوید چکار بکنیم تا میوه خدا در ما عمل آید، و چکار نکنیم تا میوه شیطان در ما عمل نی آید. این مذهب نیست که می گوید چه بکن و چه نکن. این خداست که در نهان فرزندش را نیک و پارسا می سازد، و یار کوچکان و بدبختان این دنیا می کند.

دنیا دنبال نان است (نان جسمانی). همه چیز برای بدست آوردن نان بکار گرفته می گردد، حتی خدا. خدا را دست فروشی می کنند، خود را عالم دین و خدا می نامند، تا از مردم اخازی کنند. بسیاری از مسیحیان نیز اینگونه رفتار می کنند. از کلام سو استفاده می کنند. چون هضم نکرده اند آن را ظاهراً به نمایش می گذارند. آنوقت است که "ریاکار" می شوند (ریاکاری بر می خیزد). از آن استفاده نامشروع می کنند. عیسی می گوید از ایشان یاد نگیرید. عیسی صحبت از سه مورد می کند که باعث گناه ایمانداران می شوند، در صدقه دادن، دعا کردن، و روزه.

دعا

لوقا ۱۱: ۲ - ۴

متی ۶: ۵ - ۱۵

متی ۶

۵: هنگامی که دعا می کنی،
همچون ریاکاران مباش
که دوست می دارند در کنیسه ها و سر کوچه ها ایستاده
دعا کنند تا مردم آنها را ببینند.
آمین، به شما می گویم،
اینان پادش خود را به تمامی یافته اند.

۶: اما تو، هنگامی که دعا می کنی به اتاق خود برو،
در را ببند و نزد پدر خود که در نهان است، دعا کن.
آنگاه پدر نهان بین تو،
به تو پاداش خواهد داد،

۷: همچنین، هنگام دعا، عباراتی تو خالی تکرار نکنید،
آنگونه که اقوام بت پرست می کنند،
زیرا می پندارند به سبب زیاده گفتن،
دعایشان مستجاب می شود.

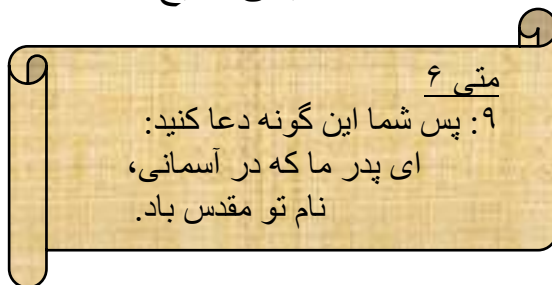
۸: پس مانند ایشان مباشید،
زیرا پدر شما پیش از آنکه از او درخواست کنید،
نیازهای شما را می داند.

در عهد قدیم، برای آنکه شخصی می خواست خود را خدا شناس معرفی کند، لازم بود ظاهر و رفتار مناسبی را داشته باشد. دنیا نیز می خواهد خود را خداشناس نشان دهد. یا می خواهد از آن سود ببرد، یا لا عقل خود را به نحوی قانع کند. می داند خدا ارزش زیادی دارد، ولی نمی داند چگونه بدست آورد. چون موضوع را درست برداشت نکرده. صحبت از روح است که نمی توان آن را دید. روح در "نهان" است، و دو نوع نیز هست. عیسی صحبت از "نهان" می کند، چون تنها "نهان" است که گواه وجود روح را می دهد. و میوه روح نیز بستگی به روحیست که در نهان در کار است. می گوید "پدر تو که در نهان است" پاداش تو را می دهد. تو این راه را برو، و من برکت ("پاداش") تو را خواهم داد. به متقاضی می گوید، راهی که برایت فراهم ساختم را برو، و من، نیازت را برآورده خواهم کرد ("نیازهای شما را می داند"). حکمتی است که بتو خواهم داد. نگاه نکن دیگران چگونه رفتار می کنند. در نام خدا چگونه خود را جلوه می دهند. چقدر خوب سخن می گویند و چقدر با حکمت بنظر می رسند. اولاً، حکمت خاصیتی شخصی است، و از کسی به کس دیگر منتقل نمی شود. روح القدس است که کلامش را در فرزند بکار می برد، و به اوست که حکمت زندگی او را می دهد. حکمت زندگی او تنها به درد خودش می خورد. هر کس لازم است حکمت خودش را دریافت کند. حکمت خدا مربوط به زندگی فرزندان می باشد. اگر شخصی را با حکمت می بینید، از خدا بخواهید حکمت شما را نیز، به شما بدهد. آنوقت که یافتید، خواهید فهمید که خدا تجربی است، نه دانستی.

آنکه تنها صحبت از کلام خدا می کند و نمی گوید چگونه می توان آن را بدست آورد، پاداشی از خدا نمی گیرد. تجربه نیکو را عنوان نکرده (چه رسد به آنکه همراه نیز بشود). کلام جسم پوشیده. اما عیسی در هر دو صورت صحبت از پاداش می کند! بله "ریاکاران" نیز پاداش خود را می گیرند. آن را با چنان زرق و برق می گیرند، که گویا بهترین را دریافت کرده اند. اما دوامی ندارد. چون گناه از میان نرفته و چیزی نمی گذرد که تبدیل به عقده می گردد (بر جسم جای می گیرد). خیر پاداش خدا سلامتی است، که با زمان رشد کرده نشاط بجای می آورد. ولی در نهان است. و نیکی درونی نیز، باعث نیکویی به خدا و همسایه خود خواهد گردید.

عیسی بیشتر مواقع آنچه از خدا بوده و شیطان ربوده را به زبان می آورد. مذاحب نیز "خدا" دارند. هر چه لغت و اصطلاح که مربوط به خدا و خصوصیات خدا هست را، آنها نیز دارند. "محبت" خودشان را دارند، "پاداش" خودشان را دارند، و "دعاهای" خودشان را دارند. آنچه مربوط به درون انسان می باشد (و مُمد حیاتش می باشد) را به ظاهر جلوه می دهند، تا خود و اطرافیان را قانع کنند. به این دلیل است که عیسی می گوید از مردم یاد نگیرید. آنها می خواهند شما را مثل خودشان کنند. خود را فریب ندهید. خدا تنها در دل شماست و ظاهر را خودش آنگونه که می خواهد خواهد ساخت. هر کس با دیگری فرق دارد. ریاکاران می گویند بمن نگاه کنید. اما عیسی می گوید به کسی نگاه نکنید، کسی را بالا نبرید. کلام خدا را مطالعه کنید و از روح القدس بخواهید آن را در وجود شما هضم نماید. آنوقت، عیسی مسیح را بالا خواهید برد. اگر خدا را می خواهید، پس بگذارید او بگوید چه نیاز دارید و چگونه بدست خواهید آورد.

دعای عیسی مسیح



چون مردم از دعا سو استفاده کرده اند، عیسی می گوید "اینگونه دعا کنید". می خواهد موضوع صحبت با خدا را روشن سازد. از خدا چه می خواهیم؟ نیازهای ما چیست و چگونه آنها را با خدا در میان بگذاریم؟ اگر خدا بما نگوید، آنوقت خودمان آن گونه که دلمان می خواهد (یا فکر می کنیم درست است) با او صحبت خواهیم کرد. تا بحال نیز همین گونه بوده است. مردم در خدا نبودند و دعا هایشان به هدر می رفت. خدا فرزندش را داد تا بتوانیم با او صحبت کنیم. پس حال بهتر است به دعای عیسی پردازیم.

"ای پدر آسمانی، نام تو مقدس باد". می گوئیم تو مقدسی. تو که در "نهان" هستی، مقدسی. ما که به تو ایمان آورده ایم، آنچه مقدس است را نیز می خواهیم. ما نیاز به حکمت تو داریم. عیسی گفته پس از من، روح القدس همیشه در شما ساکن خواهد بود و شما را در شباهت من خواهد آورد. از این پس تو را که مقدس هستی پدر خواهیم خواند. "نام تو مقدس باد". در نامت وجود پاک و مقدس تو را می بینیم. ما می خواهیم مثل تو باشیم. ما را مثل خود گردان.

و سپس عیسی به نیازهایمان می پردازد. نیازها را به شش نمونه نام برده. سه نمونه اول مربوط به خدا و جلال اوست و سه نمونه دیگر مربوط به نیازهای خودمان.

متی ۶

۱۰: پادشاهی تو بیاید
اراده تو، چنانکه در آسمان انجام می شود،
بر زمین نیز به انجام رسد.

می گوید "پادشاهی تو بیاید". یعنی من می خواهم تو پادشاه من شوی. می خواهم سکان زندگی مرا تو، خدای مقدس، در دست بگیری.

در فصل های گذشته راجع به "پادشاهی خدا" صحبت کردیم و گفتیم کلام است، که در انسان عمل می کند و خدا را پادشاه انسان می گرداند. حتی کسی که کلام را نخوانده و تنها با بشارت ایمان آورده، آنچه از کلام شنیده باعث ایمان آوردن او گشته. کلام خدا در فیلیپیان ۲: ۱۳ می گوید، "زیرا خداست که با عمل نیرومند خود، هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خشنودش می سازد، در شما پدید می آورد". پادشاهی خدا شامل اراده خدا نیز هست. این موضوع برای کسانی که عیسی را برای مقاصد خودشان می خواستند، خبر خوبی نیست. خدا می گوید اراده او را بجوئیم (و بخواهیم). آنچه "او" در زندگی ما می خواهد، انجام شود، آنرا بخواهیم. می گوید، "بر زمین نیز به انجام رسد". یعنی آنچه در آسمان می گذرد بر ما که روی زمین هستیم نیز انجام شود. ما تورا بالا می بریم و اهداف تورا برای خود می خواهیم.

متی ۶

۱۱: نان روزانه ما را امروز به ما عطا فرما.

و حال، پس از آنکه مشخص شد با کیست که صحبت می کنیم، نان روزانه را از او می خواهیم. بطوری که قبلاً گفته شد، "نان روزانه" احتیاجات روزانه زندگی ایمانداران است (نیاز های جسمانی و روحانی). هر چه نیاز داریم را از خدا می خواهیم چون او ما را ساخت و می داند چه نیاز داریم. ممکن است قبل از ایمان به خدا همین چیز ها را می خواستیم و بدست نیز می آوردیم. ولی حال، فرق اینست که همه بدست خدا سپرده شده و ما تنها آنچه پیش پای ما گذاشته را، لازم است انجام دهیم. حال کاری که می کنیم، برای خداست، و عیسی می گوید نان روزانه را از او بخواهید. اگر نان جسمانی بود که دریافت کردیم، خدا را شکر کنیم. اگر روحانی بود، همچنین خدا را شکر کنیم. باید بیاموزیم همه چیز را از خدا بخواهیم. وقتی پس از خواب با دعا بیدار بشوید، امکان برداشت روحانی شما در آن روز بیشتر خواهد بود. آنوقت، خواهید دید که نان روحانی خدا، تاثیر بزرگی بر زندگی روزانه شما خواهد داشت. روح القدس است که در کار است. خدا را شکر.

متی ۶

۱۲: و قرضهای ما را ببخش،
چنانکه ما نیز قرضداران خود را می بخشیم.

مقصود از قرضها چیست؟ منظور حساب میان مردم است، که تصفیه نشده! کسی به کسی مقروض است (یا بخاطر از دست دادن تحمل خود به کسی پرخاش کرده) و اگر پرداخت نشود، به محکمه می رود یا جنگ و جدال رخ می دهد (یا قهر می کند). خود خواهی است که به اینجا کشیده می شود.

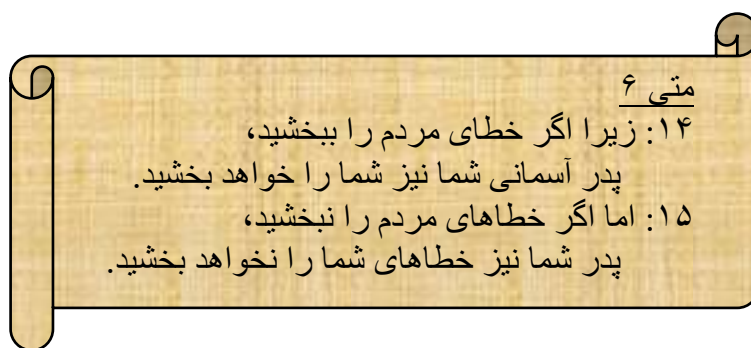
می گوید، ”قرضهای ما را ببخش“. چرا از خدا می خواهیم ”قرضهای ما را ببخش“؟ چون همانگونه که به دیگران بدهی داریم، به خدا نیز داریم. همانقدر که از او دریافت می کنیم، همانقدر نیز باید به او بدهیم. شما چند بار شده که خواست خدا را در زندگی خود نادیده گرفته اید؟ آیا خدا آنرا نبخشید؟ پس شما نیز از خواست خود از همسایه بگذرید. بخشش دریافت شده را به دیگران منعکس نمائید. عیسی در متی ۱۰: ۸ می گوید، ”به رایگان یافته اید، به رایگان هم بدهید“. البته منظور این نیست که هر چه داریم را به همسایه خود بدهیم. منظور گذشتی است که در نام عیسی صورت می گیرد. دلیل گذشت و بخشش بخاطر عیسی است. محبت است که گذشت می کند و آن را از عیسی یافته ایم. می گوید، محبت خدا است که توانائی گذشت ما را می دهد. حال نشان بدهید چکار کرده، و نامش را بالا ببرید، تا شما و ”قرضداران خود“ از وجود خدا برخوردار شوید.

متی ۶

۱۳: و ما را در آزمایش میاور،
بلکه از آن شریر رهاییمان ده.

پس از آنکه دعا کرده ایم که گناه از ما دور شود، دعا می کنیم که هیچوقت دیگر به آنجا کشیده نشویم. و اگر شدید (که معمولاً می شویم)، راه را بما نشان بده و دست ما را در راه بگیر. اصل موضوع را مطرح می کند، چون آنچه ابتدا مد نظر است، خواست خداست. خواست خدا اینست که آنچه می دهد را بر درون جسم و روح و جان خود نگاه بداریم. می گوئیم، آنچه دادی را نمی خواهیم پیش شیطان آوریم. و اگر آوردیم نیز، ما را از شر آن خلاص کن. می گوید، ”از شریر رهاییمان ده“. چطور؟ با بکار بردن کلام خدا. در هر شرایطی که باشیم، خدا در آنجا هست و خواست خود را دارد. خصوصاً زمانی که با مسئله یا مشکلی روبرو می شویم، خدا ما را صدا می زند. می گوید من راه حل آن را دارم. هر چه هست را در من بجوی. به کشیش یا مشاوران مسیحی رجوع کن و ببین خدا راجع به مسئله یا مشکلی که داری چه می گوید. از شرارتی که برخاسته و راه ”رهایی از شریر“ با او صحبت کنید. جنبه روحانی آن را در عمل به اجرا بگذارید. نه تنها مسئله حل می شود، بلکه خدا در حل آن جلال می یابد. جلال خدا در حل مسائل و مشکلات ما نیز هست. در بهشت، مسئله یا مشکلی نیست. اینها همه به خاطر گناه می باشد که در ماست. سلامتی ما را شرارت ما به این گونه از بین می برد. اینگونه است که به روابط ما با خانواده، همسایه، و مردم لطمه وارد می کند و

”قرضدار“ می شویم. بخشش خدا در اجرای کلامش بدست می آید. زمانی که کلامش را اجرا می کنیم، تغییر را در خود می بینیم. آنوقت کلام در ما جسم می پوشد و مانند عیسی در میان مردم راه خواهیم رفت. آنوقت فرزند خدا کمی بیشتر شباهت منجی خود را دریافت می کند و خدا را به خاطر آن جلال می دهد. ”رهائیمان“ از شیطان کمی بیشتر می گردد. آنوقت از خدا می خواهیم گناه نکنیم، ولی اگر باز کردیم، قبلاً توبه کار بوده ایم و می دانیم این بار نیز باید توبه کنیم، چون خواست خدا همین است. نیامد تنها صحبت از شر بکند. آمد آن را ریشه کن کند. روح القدس جای آن را با فیض خود پر کند. حکمت خداست که جای شرارت را می گیرد. عیسی جانس را داد تا خدا مالک زندگی ما بگردد. حال که شر به گونه ای در زندگی ما سر بلند کرده، به خدا پناه می بریم و با اجرای کلام، زمینه کار را برای روح القدس فراهم می سازیم. اوست که شر را رهائی می دهد. کاریست درونی، و در ”نهان“ انجام می گیرد. ما اطاعت می کنیم و آنچه از ما خواسته شده را اجرا می کنیم. بقیه کار با خداست. ایمان ما به این شکل بکار می افتد. پرورش می یابد. قدرت از فیض دریافت شده، ما را در برابر مسائل و مشکلات دیگر زندگی نیز پایدار می کند. ابتدای آن سخت است. توبه کردن کار ساده ای نیست. ولی آنکه انجام داده، برکت آن را نیز برده. این شهادت مسیحیان است.



کسی که در برابر برادرش تحمل به خرج می دهد، نشان می دهد که قدر سالها تحمل خدا را دارد. تحمل را خدا می دهد. از خدا بخواهید تحمل شما را در برابر شرارت مردم زیاد کند. آنوقت خواهید توانست به آنها کمک کنید. خدا سالهاست که می خواهد مردم را از گناهانشان نجات دهد. کسی پیام نجات را به شما داد. خدا خطاهای شما را ببخشید. حال نوبت شماست که خطای دیگران را با پیام نجات خدا ببخشید. ابتدا خود بخشیده می شوید، آنوقت توانائی بخشش دیگران را در دست خواهید داشت. این طریق کار خداست. آنوقت می توانید ببخشید، چون محبت خدا رایگان است. از درون ایجاد می گردد. روح القدس است که خود را نشان می دهد. کاری برایش نکردیم. اوست که وارد صحنه شد، و آزادی را ساخت. پولس در رومیان ۷: ۱۹ می گوید، ”زیرا آن عمل نیکو را که می خواهم، انجام نمی دهم، بلکه عمل بدی را که نمی خواهم، به جا می آورم“. چرا؟ می گوید گناه است که نمی گذارد آنگونه که می خواهم باشم. خطا در خود من است. من هستم که نیاز دارم خطایم را ببخشی. با کلامت در نهان مرا ببخش. کلامت را اجرا می کنم و می گویم، تا درب باز شود و از حیات تو خوراکم را دریافت کنم. تا بتوانم آنچه همسایگان من نیاز به آن دارند را ببخشم.

روزه

متی ۶

۱۶: هنگامی که روزه می گیرید، مانند ریاکاران تَرُشرو مباشید، زیرا آنان حالت چهره خود را دگرگون می کنند تا نزد مردم، روزه دار بنمایند. آمین، به شما می گویم، که پاداش خود را به تمامی یافته اند.

حال می رسیم به روزه داری، که یکی از فشارهایی است که بر جسم خود می آوریم تا آنرا مطیع خواست خدا گردانیم. امیال گناه آلود سر بلند کرده اند و فرزند را به فساد کشانده اند. جسم فرسوده شده از گناه، ما را از خدا دور می کند. از درون فشار می آورد و ما را به گناه می کشاند. ضعفی در ما بوده که به گناه کشیده شد. آن ضعف نیز با بکار بردن کلام و روزه، بر طرف خواهد شد. اسلحه دیگری است در مقابله با شیطان. روزه می گیریم تا با تمام وجود، تمرکز بر خدا و نیازی که از او داریم، بکنیم. عیسی نیز یک ماه روزه گرفت. زمانی بود که در بیابان بود. زمانی است که با پدر به تنهایی گذراند. آنوقت تکلیف جسم روشن شد. خواست پدر حکم فرما شد. در روزه، جسم ما مال پدر می گردد. آنوقت می توانیم بگوئیم که خدا را با تمام روح و جسم جان، دوست می داریم.

روزه را نیز شیطان بی اعتبار کرده. بت پرست ها روزه می گیرند تا بت هایشان را شاد کنند! خیر روزه زمانی به درد می خورد که کلام و روح القدس حضور داشته باشند. پدر باید حضور داشته باشد. لحظات این روزه شامل اطاعت از خدا و دیدن او در همه چیز و همه کاریست که می کنیم. از جسم جدا می شویم و می گذاریم روح القدس خواست خدا را انجام رساند. تمرکز بر آنچه از خدا می خواهیم می گردد. پاداش آن را نیز بر درون و نهان بدست می آوریم. خیر گول شیطان را نخواهیم خورد. روزه را برای خدا می گیریم.

متی ۶

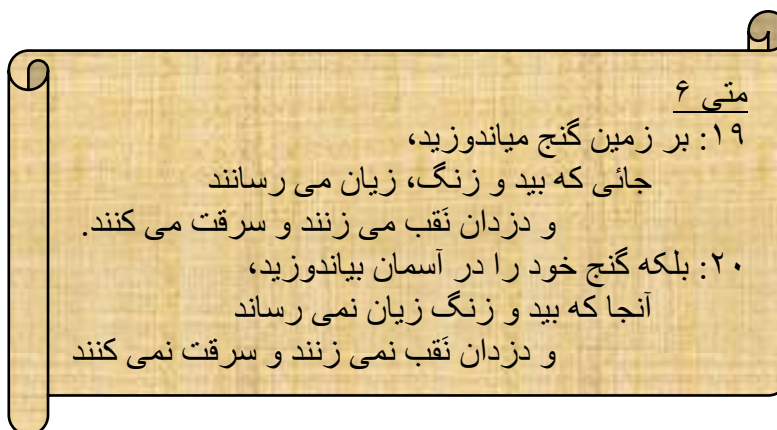
۱۷: اما تو چون روزه می گیری، به سر خود روغن بزن و صورت خود را بشوی
۱۸: تا روزه تو بر مردم عیان نباشد، بلکه بر پدر تو که در نهان است، و پدر نهان بین تو، به تو پاداش خواهد داد.

می گوید تو در فکر سلامتی خود باش و سلامتی را از خدا بخواه. نگاه نکن به آنچه دیگران می کنند. راهی است که تو شخصاً باید طی کنی. کاریست که در "نهان" انجام می گیرد. روزه ما را بر درون خود می برد و جسم ما را مجبور به اطاعت از خدا می کند. زمانیست روحانی. روزه می گیریم تا جواب از خدا بگیریم.

روزه می گیریم تا از شر شیطان خلاص شویم. روزه می گیریم برای آنکه همسایه ما نجات یابد، و غیره. حق هر انسان (خصوصاً فرزندان)، خداست که با او زندگی کند. جسم فرسوده به بسیاری چیزها عادت کرده. روزه می گیریم تا عکس آنچه در وجود داشته ایم، پای بر میدان بگذارند و عمل کنند. جسم را مطیع به خدا نمودن است. می گوئیم به تو خوراک نمی دهم، چون می خواهم بدانی حیات تو در کجاست. جواب را خدا می دهد، به اشکال مختلف و در رفتار خودمان. به این شکل است که، ”پدر نهان بین تو، به تو پاداش خواهد داد.“ آمین

گنجهای آسمانی

متی ۶: ۱۹ - ۲۴	لوقا ۱۱: ۳۴ - ۳۶
----------------	------------------



پس از هشدار نسبت به جلال این دنیا، عیسی هشدار نسبت به خود دنیا می دهد. اعمال نیک، ما را نجات نمی دهند. اعمال نیک، خدا را خوشنود می کند (و خدا برکت/پاداش آن را می دهد). محبت از خداست. یوحنا ۳: ۱۶ می گوید، ”زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد.“ این محبت است که با دادن از خود، خود را پر می سازد. جریانی است که از پدر آغاز شد و تا نهایت در ما ادامه خواهد داشت. می گوید آنچه داری از من است و با ارزانی داشتن به همسایگان، جایش پر می شود. جانیست که خدا در آن جریان دارد. پدر به فرزند (ما) داد، و فرزند به هر که آن را در نام مسیح قبول بدارد.

برکاتی که از خداوند یافته اید کدامند؟ آنها گنج های شماست. می گوید به جریان بی اندازید. باید از آن استفاده شود تا جایش دوباره پر شود. نگذارید بید و زنگ بزنند. نگذارید نمک از خاصیت بیافتند. گنج های آسمانی اندوخته ایست که در خدا داریم. همه با کلام در گوشمان آغاز شد، و هر چه بیشتر خواستیم و بکار بردیم، بیشتر دریافت کردیم. عیسی می گوید گنج خدا مانند آنچه بر زمین گنج شمرده می شود نیست. در نهان است و آسمانی. خصوصیات خداست که در ما پرورش می کند. آنوقت خدا از طریق ما، نورش را به اطرافیان می بارد. گنجی است که دائماً خالی و پر می شود. محبت لبریز شده خالی می شود و دوباره پر می شود. در این میان قدوسیت خدا بیشتر رشد می کند و شباهت بیشتری از پدر، به فرزند می رسد. خدا را شکر برای محبت خدا.

متی ۶

۲۱: زیرا هر جا گنج توست،
دل تو نیز آنجا خواهد بود

قبلاً اشاره کردیم، گناهی که در دل (“نهان”) جای دارد، باعث بدبختی جان انسان می‌گردد. عیسی می‌گوید هر چه برای ما ارزش دارد، دل ما در آنجاست. ممکن است خانه، پیشه، مقام، شهرت، تمول، هر یک یا همه را خواهانید. زندگی دنیوی از آن شکل یافته. اما ما فرق کرده ایم. دنیا کنار رفت و عیسی وارد شد. کلام در ما میوه آورد. آنچه دنیوی بود، خدائی شد. خانه، جانب روحانی گرفت. پیشه، جانب روحانی گرفت و عطایای روحانی بکار افتاد. مقام، سر فرود آورد و خدا آن را سر افراز کرد. شهرت و تمول خدا را جلال رساند. خدا در حزقیال ۳۶: ۲۶ می‌گوید، ”و دلی تازه به شما خواهم بخشید و روحی تازه در اندرونتان خواهم نهاد و دل سنگی را از پیکر شما به در آورده، دلی گوشتین به شما خواهم داد.“ گنجیست که در دل جای می‌گیرد و لبریز می‌کند. زمانی که مسئله ای پیش می‌آید، ندای خداست که اشکالی در دل است. کلامش به مسئله اشاره کرده و راه حل آن را داده. کلامش را بکار ببرید تا مسئله بگونه صحیح، آنطور که خدا می‌خواهد، حل گردد. آنوقت گنجینه خدا در وجود شما رشد می‌کند و باعث برکت همسایگان می‌گردد.

چشم

متی ۶

۲۲: چشم چراغ بدن است.
اگر چشمت سالم باشد،
تمام وجودت روشن خواهد بود.

چشم باعث گناهان بسیاری می‌شود. چشم با دل، رابطه مستقیم دارد. اگر سلامتی را می‌خواهی، آنچه به چشم می‌خورد اهمیت بده، و اگر از خدا نیست، روی برگردان. نگذار مانند داوود، بنگری و بخواهی و به دام بیافتی. حوا نیز در پیدایش از طریق چشم به دام افتاد. دیدن همه چیز برای ما آزاد شده، ولی برداشت آن را به کلام می‌سپاریم و اگر مخالف آن است، روی از آن بر می‌داریم. ممکن است زیبا، خوش برخورد، خوش زبان و ثروتمند نیز باشد، اگر خدا صاحب او نیست، همه در دست شیطان خواهد بود و به هدر رفته خواهد شد. چشم را می‌توان به سه گونه شرح داد:

ابتدا چشم دل است. شخص درونی ما که از درون بیرون را می‌بیند و برای ما درک و خرد را ایجاد می‌کند. می‌گوید، آنچه به چشم دل می‌خورد، اگر بر اساس آنچه کلام گفته ارزیابی نگردد، در دست شیطان قرار خواهد گرفت. اگر زمانی که داوود دید، ولی چشم دل او به خدا باز بود، متوجه تاثیری که بر چشم او گذاشته می‌شد، و رویش را بر می‌گرداند. بسیاری از مسیحیان به درجه اهمیتی که آنچه به چشم می‌خورد واقف نیستند. ارزش دیدن، از ارزش اطاعت از خدا بیشتر شده. می‌گویند چون لازم داریم و در دسترس

است، استفاده می کنیم. نمی دانند که به همین شکل است که سلامتی خود را از دست می دهید. شیطان را بازیچه خود می کنند. با او همنشین می شوند و اجازه می دهند شیطان آنچه بلا دارد را وارد وجودشان سازد. کلام خدا در یعقوب ۱: ۱۴ - ۱۶ می گوید، "هنگامی که کسی وسوسه می شود، هوای نفس خود اوست که او را می فریبد و به دام می افکند، هوای نفس که آبیستن شود، گناه می زوید و گناه نیز چون به ثمر رسد، مرگ به بار می آورد. برادران عزیز من، فریفته مشوید". بله با دم شیر بازی کردن همین است. نکنید. جرعت به خرج بدهید و در دعا به او بگوئید که می خواهید از این شر خلاص شوید. بگوئید. از شر روی برگردان شوید. یعقوب در ۴: ۷ می گوید، "پس تسلیم خدا باشید. در برابر ابلیس ایستادگی کنید، که از شما خواهد گریخت".

چشم دیگر چشم خرد است. درک، قضاوت روزمره، وجدان، و آنچه محرک ماست، اگر بر اساس کلام سلامتی نباشد، عالت دست شیطان خواهد شد. و در نتیجه، اهمیت داشتن شناخت کلام برای ما آشکار می گردد. چشم درونی ما، مدام در حال تجزیه و تحلیل و قضاوت ذهنی آنچه به چشم می خورد است. اگر زوال آن در دست روح القدس نباشد، تاریکی را بار خواهد آورد. عیسی آنرا سلامتی چشم می نامد. اگر راه خدا را می بینیم، چشم ما سالم است و نتیجه آن سلامتی جسم و روح جان ما خواهد بود. اما، چشم نابینا، چگونه می تواند شرارت را تشخیص بدهد و ببیند. ملاکی برای انجام این کار ندارد. روح القدس است که چشم خرد را باز می کند تا درست فکر کنیم و رفتار کنیم. اگر به گناهی از خود برخورد کردیم، کلام خرد، عمل متقابل را به ما نشان خواهد داد تا از شر آن خلاص شویم.

و بالاخره، چشم به آینده است و اهداف و نیت های ما. آینده خود را چگونه می بینید؟ اگر با خدا راه می روید، چشم شما راه نمای شما خواهد بود. راهی که پیش روی خود دارید، اگر در خداست، پس سلامتی آن بر جسم و روح شما نیز اثر خواهد داشت. چشم مردم را نجوئید، بلکه دلشان را با عیسی آشنا کنید. هر چه روحانیت عیسی را منتشر سازید، روحانیت خود نیز بیشتر خواهد گردید. اعمال رسولان ۲۰: ۳۵ می گوید، "از هر لحاظ به شما نشان داده ام که باید چنین سخت کار کنیم تا بتوانیم ضعیفان را دستگیر نمائیم، و سخنان خود خداوند عیسی را به یاد داشته باشیم که فرمود: "دادن از گرفتن فرخنده تر است".

متی ۶

۲۳: اما اگر چشمت فاسد باشد،

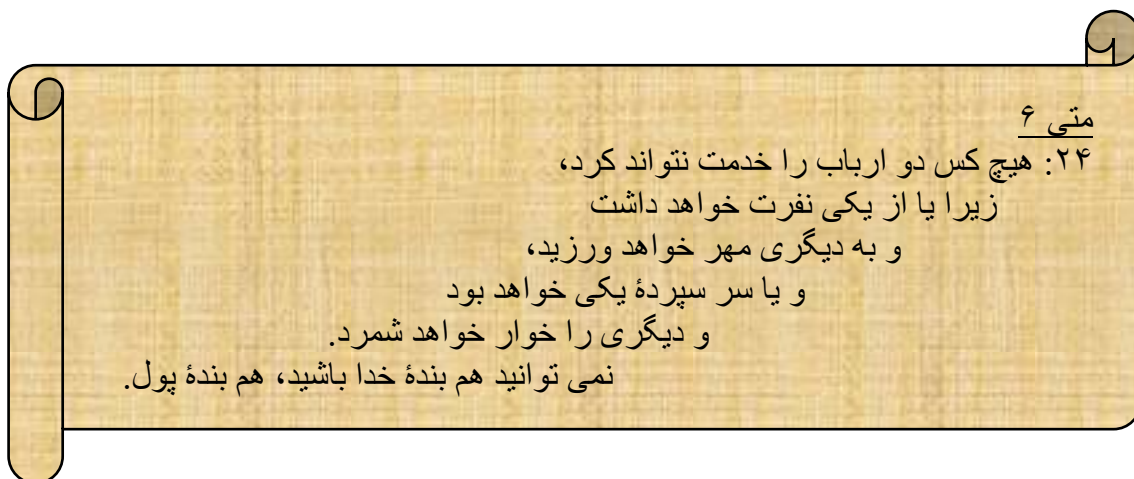
تمام وجودت را ظلمت فرا خواهد گرفت.

پس اگر نوری که در توست ظلمت باشد،

چه ظلمت عظیمی خواهد بود!

در این آیه عکس قضیه را می بینیم. می گوید، آنچه از دنیا به چشم می خورد، ظلمت است. گناه ظلمت می آورد. اگر چشم نسبت به گناه حساس نبوده باشد، نمی تواند روی بر گرداند. دنیا سعی دارد به چشم شما بیاید و شما را وادار به فکر و رفتاری که می خواهد بکند. هر روز با اعلانات مختلف روبرو می شویم و با زرق و برق سعی می کنند، نظر ما را جلب خود کند. کلام خدا در پیدایش ۳: ۶ می گوید، "چون زن دید که آن درخت خوش خوراک است و چشم نواز، و درختی دلخواه برای افزودن دانش، پس از میوه آن گرفت و خورد، و به شوهر خویش نیز که با وی بود داد، و او خورد". حال متوجه "ظلمت عظیم" شدید. بله گناه در

دل وارد شد و "تمام وجود" را فرا گرفت. ولی نور در تاریکی به چشم رسید. نجات از یکایک گناهان فراهم شد. علم خدا تبدیل به عمل گردید و "وجود" را یکی پس از دیگری سلامت گردانید.



صحبت از دورویی و خود خواهیست. فرزند خدا نمی تواند دورو باشد چون هر دو را دیده و نتیجه را شناخته و ایمان آورده. حال حکمت خدا (طریق زندگی خداگانه) فرزند را به خدمت خدا (بر درون و بیرون) می گمارد. روزانه هر دو پیش روی او، و جلوی چشم فرزند خدا هستند، ولی آموخته که کدام از خداست و کدام شیطان. صحبت از خوشبختی است و یا بدبختی. از بهشت است یا جهنم. از آفریدگار پر جلال است یا از آفرینش جلال افتاده.

نمی توان هر دو راه را پیمود، چون عکس یکدیگرند. یکی به یک جانب راه دارد و دیگری جانب مخالف. یکی حیات است و دیگری مرگ. بهشت و جهنم. منظور اینست که فکر نکنید می توانید مسیحی باشید و از دنیا لذت ببرید. خدا وسیله زندگی نیست. اگر نجات را بکار نیاندازید، روح القدس را محزون کرده اید. مانند فرزندی می ماند که پشت به پدر کرده با دشمن او همبستر می شود. جانی که برای نجات داده شد، پایمال شیطان می گردد. بخود آید. "نمی توان هم بنده خدا باشید، هم بنده پول".

نگرانی

لوقا ۱۲: ۲۲ - ۳۱

متی ۶: ۲۵ - ۳۴

متی ۶

۲۵: پس به شما می گویم، نگران زندگی خود نباشید،
که چه بخورید یا چه بنوشید،
و نه نگران بدن خود که بپوشید.
آیا زندگی از خوراک
و بدن از پوشاک مهمتر نیست؟

خدا می گوید من شما را آفریدم و می دانم چه برای زندگی خود نیاز دارید. زمانی که نگران می شویم، زمانهست که حکمت زندگی را از دست داه ایم. دستخوش دریای متلاطم دنیا شده ایم. ندای خدا را می شنوید؟. خدا دارد صدا می زند. چشم دلت را باز کن تا ببینی چه بر سر تو آمده. زمانی که متوجه غفلت حواس خود شدیم، خدا درب دل ما را می کوبد و می گوید من خدای نجات هستم. درب را باز کن، تا تو را دوباره در آغوش بگیرم. می گوید، می دانم چه شد و چه لازم داری تا دوباره سالم شوی. اساره حیاتم را در کلامم بجوی، و از آن خوراک بگیر، و حکمت خود را باز یاب. حق تو این ظلمت نیست. مرا بکار انداز و خوراک و پوشاک و نیازهایت را همراه من بدست آور. من در وجود تو هستم. در دسترس تو هستم. پس چرا نگرانی. حکمت نان خود را از من بخواه. حکمت می دهم چه نانی را لازم داری و چگونه آن را بدست آوری. همچنین، برای پوشاک و بقیه نیاز هائی که داری. چرا از من نمی خواهی؟ من از درونت، راه را نشان خواهم داد، و دستت را خواهم گرفت. من درون تو هستم. آرام بگیر و دعا کن ببین دیری نخواهد کشید تا جواب در دلت آشکار می شود. چشم روشنی از خداست. آنوقت تسلط به اوضاع بدست می آید. امید دوباره زنده می شود و بال می گیرد و جانش را در راه سلامتی خدا بسر می برد. در بهشت برین خدا.

متی ۶

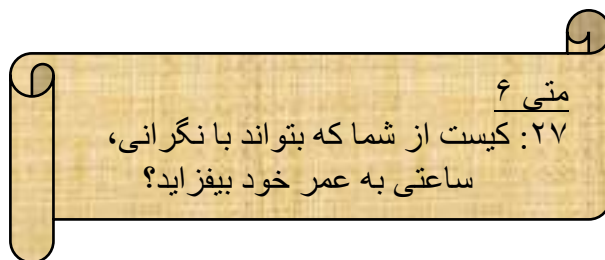
۲۶: پرندگان آسمان را بنگرید که نه می کارند و
نه می درویند و نه در انبار ذخیره می کنند
و پدر آسمانی شما به آنها روزی می دهد.
آیا شما بس ارزشتر از آنها نیستید؟

شکی نیست که نان به سادگی بدست نمی آید. دستان زیادی به جانب آن دراز شده و شکم های بسیاری نیز گرسنه اند. نان نیاز به کار و زحمت و عرق ریختن دارد. در همه جا یافت نمی شود و ارزان نیست. خدا این را می داند. می گوید، من آن را بهتر از تو می شناسم، چون بهتر از تو می بینم، و تو را در مقابل آن می سازم. خدا از درون آغاز بکار می کند و راه و رفتار لازم را برای تامین مایحتاج فراهم می سازد. حکمتی در آن است برای هر شخص که او را پدر خود می شمارد. بله نان از درون به دست می رسد. در

دعا از او بخواهید و بالاخره دریافت خواهید کرد. ممکن است همان لحظه بدست نیایید، ولی اطمینان داشته باشید که خدا جواب را بر درون "نهان" داده است. شما کار خود را انجام داده اید. مطیع کلام بوده اید. حال خداست که با حکمت خود، روزی فرزندانش را خواهد داد.

پرنندگان را مثال می‌زند، چون می‌خواهد به این شکل نشان دهد که پدر ارزش زیادی برای فرزند دارد و نان روزانه او را خواهد داد. نان خدا حکمت خداست. برداشتی است از خدا، که در زندگی بکار می‌بریم. حکمتی است که به ما نشان می‌دهد کجا برویم، چه را بخواهیم، و چگونه آن را بدست آوریم. می‌گوئیم، پدر آسمانی، نان روزانه ما را بده، و نشان بده کجا برویم و چگونه دریافت نمائیم. آنوقت خدا را همراه می‌بریم، تا حکمت را به کمال رساند. آنوقت در روح راه رفته ایم. شروع خوبیست. حال در دعا باید آن را ادامه داد. زمانی که خدا را در همه کار و همه رفتار خود دخالت داده ایم، آنوقت خدا را خواهیم دید. آمین.

همه مربوط به تجربه های مختلفی است که از خدا بدست ما می‌آید. اگر تا بحال نان را خود دریافت کرده اید، از این پس ابتدا با خدا مشورت کنید. از لحاظ مالی و اجناس مربوط به آن با او گفتگو کنید. به کجا می‌روید و چه خواهید گفت و چگونه بدست خواهید آورد، همه را قبلاً با خدا در میان بگذارید. زمانی که جوانب کار را با خدا رسیدگی کردید، آنوقت دست بکار شوید. مانند گذشته دل به دریا نزنید. خدا را همه جا همراه خود ببرید. بدون او حرکت نکنید. چون او بهتر می‌داند چه باید بکنید. خیر ما بیشتر از نان و پوشاک ارزش داریم چون خدا پدر ماست. او ما را نجات داد. جسم و روح و جان ما را در دست های سالم او بگذاریم. همه کار روحانیست. اول قرنیتان ۶: ۱۹ می‌گوید، "آیا نمی‌دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شماست و او را از خدا یافته اید، و دیگر از آن خود نیستید؟"



عمر انسان در دست خداست. آنچه زنده است از خداست. مرگ زمانی آغاز شد که شیطان راهی برایش باز شد. قدم در عرصه خداوند گذاشت و آنچه از اوست را به فساد و مرگ کشانید. دشمن یعنی این. آنچه از خدا در ما نیز هست، در معرض آشفته شیطان قرار گرفته و زندگی روز بروز سخت تر می‌شود. شیطان است که روزانه عمل می‌کند و ما را از پای در می‌آورد. اما خدا به داد ما رسید. او پای خود را در میدان گذاشت، البته با خواست ما. حال چه شد که نگرانیم؟ مسئله تازه ای پیش آمده که تا بحال ندیده بودیم، یا شاید دوباره تکرار شده. فرقی ندارد. نمی‌دانیم چه کار کنیم، و در نتیجه نگران می‌شویم. مسائل زندگی به حدی احساسات را تحریک می‌کنند، که نمی‌گذارند آدم درست فکر کند. آیا ندای خدا را می‌شنوید؟ خدا در "نهان" می‌گوید مرا فراموش نکن. من در دل تو هستم. به من پناه ببر. در دعا همه چیز را با خدا در میان بگذار. وقت به خدا بده. جواب را در نهان از او بخواه. آنچه مربوط به کلام است را مطالعه کن. ببین کلامش در این باره چه می‌گوید. آنوقت به آن عمل کن. خواهی دید که نگرانی، ندای خداست که می‌گوید نجات در من است. مسائل و مشکلات خود را در دعا به خدا ببرید و بگذارید او از طریق کلامش مسائل را حل کند. فرزند خدا هستید و به این خاطر به او توکل می‌نمائید.

متی ۶

۲۸: و چرا برای پوشاک نگرانید؟
سوسنهای صحرا را بنگرید،
که چگونه نمو می کنند؛
نه زحمت می کشند و نه می ریسند.
۲۹: به شما می گویم که حتی سلیمان نیز با همه شکوه و جلالش
همچون یکی از آنها آراسته نشد.

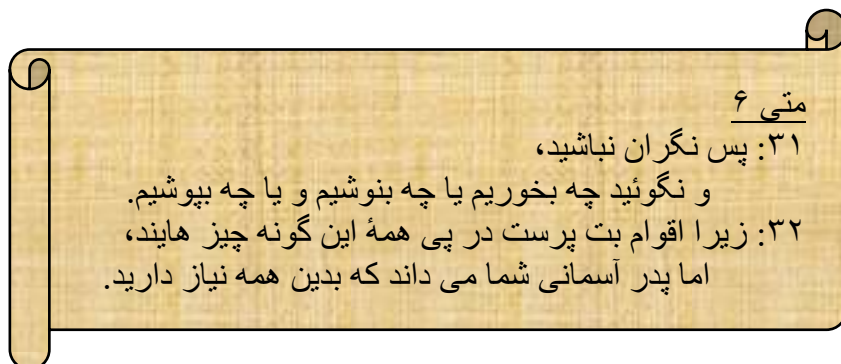
دنیا زرق و برق زیادی دارد. رنگها و نماها و حرکات چشمگیری دارد. نمی داند چه می خواهد و همه چیز را روز بروز تغییر شکل و میزان و رنگ می دهد. اگر شکوه و جلال می خواهی، آنرا در منشأ آن بدست بیاور. زیبایی می خواهی، در خداست (درون به بیرون). در نهان است. استعداد می خواهی در خداست. علم و صنعت می خواهی آنها در خداست. خدا حکمت دارد. حکمت اوست که ما را در دنیای از جلال افتاده محفوظ نگاه می دارد. افکار و رفتارش را می دهد. انسان مرده را احیا می کند. حساب و کتاب زندگی را بدست او می دهد، و با فرزندش زندگی می کند. بهشت وارد زندگی فرزند شد. حال خداست که به او می گوید چه نیاز دارد و چگونه آن را بدست آورد. گنجینه حیات پدر در دسترس فرزند قرار گرفت. باید مکس کرد و بخود آمد. هر روز دعا کنید و همه چیز را پیش او آورید.

متی ۶

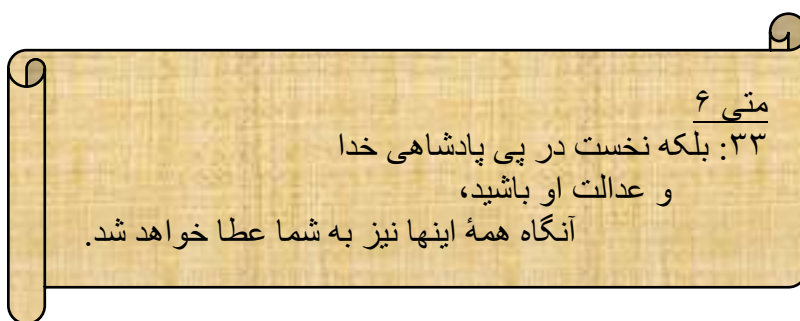
۳۰: پس اگر خدا علف صحرا را که
امروز هست و فردا در تنور افکنده می شود،
این چنین می پوشاند،
آیا شما را، ای سست ایمانان،
به مراتب بهتر نخواهد پوشانید؟

می گوید توجه به عمق آنچه آفریده ام کرده ای؟ متوجه عظمت آن شده ای؟ این عظمت را می خواهم با تو شریک شوم. علم و دانشی دارد که می خواهم با تو فرزندم شریک بشوم. می گوید نگاه کن ببین آراستگی خلقتی که آفریدم. حتی "علف صحرا" زیبایی خود را دارد. در صحرای زندگی تو را آراسته و زیبا خواهد ساخت. چنان شما را از خود خواهد "پوشاند" تا نورتان بر همه بیبارد. آمین.
خداوند به فرزندانش عطایائی داده که با استفاده از آنها می توانند زندگیشان را بر طبق خواست خدا بگذرانند (۱). می گوید این عطایا دست کمی از آنچه برای سوسن های صحرا کردم، ندارند. فرزند من نیز دست کمی از این سوسن های زیبای طبیعت ندارد. حال آنکه به لحاظی گم گشته و در صحرا بسر می برد. اما سوسن صحرای مرا دید. ندای مرا شنید. بخود آمد و در دعا پیش من آمد. آنچه می دانستم را به زبان آورد، حرف های دلش را زد، و من او را به آغوش خود کشیدم و دست و رویش را پاک نمودم. آنوقت لباس

(حکمت) را به او "پوشاندم". به عمق مسئله نگاه کردیم و مرحم آن را در روح و جسم یافتیم. حیات جاودان بکار افتاد. سلامتی خدا بر جسم و روح جان وارد شد. روح القدس همه چیز را پر جلال و پر نشاط نمود. چون حال زندگی به راحتی و با نظم و ترتیب انجام می گردید. انجام کار لذتبخش شد. گویی دستی خارج از انسان در کار بود.

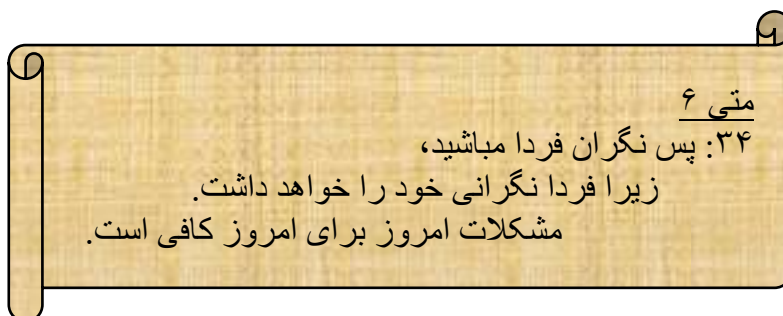


بله موضوع نیاز به تکرار بسیار دارد و عیسی آن را به ما می گوید چرا. چون هنوز به آن نرسیده ایم. تکرار می کند، چون احتیاج به یادآوردن داریم. دوم پطرس ۱: ۱۲ می گوید، "پس این امور را همواره به شما یادآوری خواهم کرد، هر چند آنها را می دانید و در آن حقیقت که یافته اید استوارید". وابستگی ما عمیق است. خدا به یکایک آنها اهمیت می دهد، و هر گاه هر یک سر بلند کنند ("چه بخوریم یا چه بنوشیم و یا چه بپوشیم")، ندائی بر درون می دهد که فرزند، مرا فراموش مکن. من خدای نجات هستم. در دعا پیش من بیا و "همه این گونه چیز ها" را از من بخواه. با من راه برو و زندگی کن. خدا در پیدایش ۱۷: ۱ به ابراهیم می گوید، "چون ابرام نود و نه ساله بود، خداوند بر او ظاهر شد و فرمود: «من هستم خدای قادر مطلق؛ پیش روی من گام بردار و کامل باش". آنوقت خواهی آموخت چه نیاز داری و چگونه آن را بدست خواهی آورد.



حال به نتیجه می رسیم. حاکمیت خدا بر ما. حاکمیت بر روح و جسم و جان ما. فرزند خدا می خواهد مثل پدرش باشد. پدر می گوید زمانی که مسئله پیدا می کنی، بجای اطراف، به درون بنگر. من در دسترس تو هستم. جایی در تو هست که از شیطان است و مسئله را ایجاد کرده. مرا بخوان و کلام مرا جویا باش تا راه حل را به تو نشان بدهم. کاریست که با هم باید انجام دهیم. من از داخل و تو از بیرون. وقت کافی صرف اجرای آن بکن. بگذار وجودت را پر سازد و آنوقت، گوشه دیگری را شامل پادشاهی خدا کرده ای. گناه را

از سر راه بردار و ”همه اینها نیز به شما عطا خواهد شد“. بله خدای ما خدای غیر ممکن هاست. اگر در رابطه با او جدی باشیم، او زندگی تازه را بما خواهد داد. بگذارد ”عدالت خدا“ بر زندگی شما حاکم گردد.



می گوید تا اینجا به تو گفتم چه کنی تا از نگرانی خلاص شوی. اما این کار دوباره پیش خواهد آمد، ممکن است به شکل و مورد دیگری، ولی مسائل و مشکلات زندگی هنوز هست. می گوید، یکایک آنها می توانند مرا در وجود خودت جلال دهند. نگرانی؟ پیش من بیا تا تو را از جلال برخوردار کنم. تو را شباهت عیسی خواهم کرد. تو را مسیحی خواهم کرد.
مسائل و مشکلات ما را خدا در کلامش مطرح کرده، و طریق استفاده از آنها را در دست خود فرزندان گذاشته، تا با شرایط و امکاناتی که دارند، کلامش را اجرا کنند، و روح القدس آن را جذب جسم و روح جانشان کند. ”مشکلات امروز برای امروز کافی است“. خدا نان روزانه ما را بما می دهد. مشاوره مسیحی، پیشه و خدمتش در این زمینه است.

زیر نویس فصل ششم

(۱) عطایای روح القدس: رومیان ۱۲: ۶ - ۸؛ اول قرنتیان ۱۲: ۸ - ۱۰؛ اول پطرس ۴: ۱۱.